



سال دوازدهم • بهار و تابستان ۱۴۰۵ • شماره ۲۴

Biannual Journal of Islamic Psychology
Vol. 12, No. 24, Spring & Summer 2026

مدل‌یابی معنا در زندگی بر اساس دین‌داری و خودکارآمدی با نقش میانجی ارزش‌های اجتماعی در نوجوانان دختر

امیدعلی باپیری*

بهاره عباسی**

doi 10.22034/psy.2026.51726.1439

چکیده

تمایل برای جست‌وجو و یافتن معنا در زندگی یکی از تمایلات اساسی انسان است؛ هرچند که در روش به‌دست آوردن آن تفاوت‌هایی وجود دارد. پژوهش حاضر با هدف مدل‌یابی معنا در زندگی بر اساس دین‌داری و خودکارآمدی با نقش میانجی ارزش‌های اجتماعی انجام گرفت. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و به شیوه معادلات ساختاری انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل نوجوانان دختر ۱۵ - ۱۸ سال در دوره دوم متوسطه شهر ایلام به تعداد ۴۴۷۶ نفر بودند. برای برآورد حجم نمونه از جدول کرجسی و مورگان حداقل نمونه مجاز، یعنی ۳۸۴ نفر تعیین گردید که این تعداد نمونه به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری داده‌ها شامل پرسش‌نامه‌های معناداری زندگی، خودکارآمدی عمومی، دین‌داری و ارزش‌های اجتماعی بود. برای تحلیل داده‌ها نیز از ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل مسیر و مدل معادلات ساختاری به کمک نرم‌افزارهای SPSS و AMOS استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که مدل علی پیش‌بینی معنا در زندگی بر اساس دین‌داری و خودکارآمدی با میانجی‌گری ارزش‌های اجتماعی از برازش مطلوبی برخوردار بوده و ارزش‌های اجتماعی می‌تواند در رابطه بین دین‌داری و خودکارآمدی با معناداری زندگی نقش میانجی را داشته باشد. همچنین رابطه خودکارآمدی، دین‌داری و ارزش‌های اجتماعی با معنا در زندگی معنادار بود، و با فراهم نمودن زمینه‌های تربیت دینی و تقویت احساس خودکارآمدی در نوجوانان دختر می‌توان به معناداری زندگی در آنان کمک کرد.

کلیدواژه‌ها: معنا در زندگی، دین‌داری، خودکارآمدی، ارزش‌های اجتماعی.

* استادیار گروه آموزشی روان‌شناسی تربیتی، مؤسسه آموزش عالی باختر، ایلام، ایران (نویسنده مسئول: omidbapiri@yahoo.com)

** کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، مؤسسه آموزش عالی باختر، ایلام، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۱۲

مقدمه

یکی از دشوارترین پرسش‌ها، پرسش در مورد معنای زندگی است. پرسش از زندگی، چپستی آن و فرجام آن از آغاز تا کنون، ذهن بشر را به خود مشغول ساخته است و تا زمانی که برای این پرسش‌ها، پاسخ‌های قانع‌کننده یافت نشود، نمی‌توان چنان‌که شایسته بشر است، زندگی کرد. جوهر اساسی نظریه‌های دینی در باب معنای زندگی عبارت است از: تأکید بر این نکته که بدون وجود خداوند و فناپذیری، زندگی معنایی نخواهد داشت (مهدوی آزادبنی، ۱۳۸۶). اینکه آفرینش آسمان‌ها و زمین و هر آنچه در آن‌هاست، هدفمند صورت گرفته است، به صراحت در قرآن به چشم می‌خورد و غایت‌مندی و حکیمانه بودن آفرینش آنها مورد تأکید قرار می‌گیرد^۱ (آل‌عمران: ۱۹۰ و ۱۹۱).

معنا در زندگی معمولاً به احساسی از یکپارچگی وجودی اشاره می‌کند که به دنبال پاسخ دادن به چپستی زندگی، پی بردن به هدف زندگی و دست یافتن به اهداف ارزنده و در نتیجه رسیدن به حس کامل و مفید بودن حاصل می‌شود (بی‌هو، چانگ و چانگ، ۲۰۱۰). اولین نسخه از تقسیم‌بندی معنا در زندگی به سه جزء بر اساس طبقه‌بندی کلاسیک رفتار انسان بوده است. رکر و وونگ^۲ (۲۰۱۲) سه مؤلفه را برای معنای شخصی پیشنهاد دادند: یکی مؤلفه شناختی که در مورد ساختن معنای تجارب فردی در زندگی است؛ دیگری مؤلفه انگیزشی که در مورد پیگیری و رسیدن به اهداف ارزشمند است؛ و سومی مؤلفه عاطفی است که در مورد احساس رضایت‌مندی، تحقق^۳ و شادی همراه حصول به هدف است. این تقسیم‌بندی به سه بخش با صراحت بیشتری در کار هینتزلمن و کینگ^۴ (۲۰۱۴) که هدف را در جهت‌مندی و اهمیت را با موضوعات مهم و انسجام را در فهمیدن زندگی فرد می‌دانند، دیده شده است. دیگر نویسندگان نیز به همین نتیجه در مورد سه جنبه مختلف معنا در زندگی رسیده‌اند. به‌عنوان مثال، مارتلا و استجر^۵ (۲۰۱۶) به همان تقسیم سه بخشی اشاره می‌کنند. آنها اظهار داشته‌اند که معنا در زندگی از سه جزء تشکیل شده است: اولین جزء انسجام است که جزء شناختی معنا در زندگی است که با فهم مردم از جهان و توضیح قابل

۱. «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاجْتِلاَفِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ * الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا شَيْخَانِكَ فَيَتَّعِذَابُ النَّارُ»

2. YeeHo, M., Cheung, F. M. & ShoFai-Cheung, S. F.

3. Reker, G. T. & Wong, P. T. P.

4. fulfillment

5. Heintzelman, S. J. & King, L. A.

6. Martela, F. & Steger, M. F.

درک و منسجم آن در ارتباط است؛ دومین هدف است که جزء انگیزشی معنا در زندگی است که یک سازمان‌دهنده درونی است؛ سازماندهی و برانگیزندگی به‌سوی هدف‌ها را ایجاد می‌کند و از این طریق احساس معنا را به وجود می‌آورد؛ سومین جزء اهمیت است که مؤلفه ارزیابی معنای زندگی است و میزانی است که افراد احساس می‌کنند که وجودشان دارای اهمیت و ارزش است.

مطالعات صورت‌گرفته در حوزه معنای زندگی، منابع و ابعاد آن غالباً از مرحله نوجوانی غافل بوده‌اند؛ درحالی‌که می‌توان ظهور معنا را به شکل واقعی آن در این مرحله از تحول و همراه با شکل‌گیری هویت در فرد ردیابی نمود (براسای پیکو و استگر، ۲۰۱۲^۱). آغاز ساخت سیستم معنای شخصی را به‌صورت واقعی می‌توان از زمانی که فرد ملزم به اتخاذ تصمیمات مستقلانه است ملاحظه کرد. این استقلال به‌ویژه در جوامع امروزی در سنین نوجوانی است که محقق می‌شود. به عبارتی، به نظر می‌رسد که درک معنای زندگی فرد با تحول یک حس منسجم از هویت خود در ارتباط باشد (هین، پرولکس و ووس، ۲۰۰۶^۲)؛ درنتیجه، فرایند خلق معنا به‌صورت نظری از نوجوانی

آغاز شده و در طول زندگی تداوم می‌یابد (جانستون، ۲۰۱۲^۳). مطالعه براسای و همکاران (۲۰۱۲) بر روی نوجوانان ۱۵ - ۱۸ سال نشان داد که جست‌وجو برای معنا بیشترین سهم را در تعیین رفتار نوجوانان داشت. با توجه به مطالبی که بیان شد، محققان بسیاری نشان داده‌اند که وجود معناداری در زندگی عنصری اساسی در بهزیستی روانی - عاطفی است. حال باید دید منابع مهم معنابخش به زندگی چه چیزهایی هستند. منابع معناداری زندگی با رویکردهای مختلف فلسفی، معرفت‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناسی مطالعه شده است. به علت گستردگی بحث، بیشتر با دیدگاه جامعه‌شناختی و روان‌شناختی موضوع را مورد بررسی قرار داده، و به متغیرهایی اشاره می‌کنیم که در تحقیقات مختلف به نوعی با معناداری زندگی رابطه داشته‌اند. معنا از تعدادی از حوزه‌های مختلف زندگی مانند اوقات فراغت، معنویت، ارتباط با دیگران و کمک به جامعه به‌طور گسترده ایجاد می‌شود. به ندرت ممکن است افراد احساس معنا را که ناشی از یک حوزه در زندگی‌شان است، تجربه کنند. درحقیقت داشتن یک شبکه از منابع مختلف معناداری با معنای کلی بیشتر و بهزیستی مرتبط است (رکر و وو، ۲۰۱۱^۴).

1. Brassai, L., Piko, B. F. & Steger, M. F.

2. Heine, S. J., Proulx, T. & Vohs, K. D.

3. Johnston, G. D.

4. Reker, G. T. & Woo, L. C.

حمایت تجربی قابل توجهی برای رابطه بین دین‌داری و معنا در زندگی وجود دارد. دین‌داری، یعنی داشتن التزام دینی؛ به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد (شجاعی زند، ۱۳۸۴). مطالعات رابطه مثبت و قوی بین معنا در زندگی به صورت خودگزارشی و دین‌داری درونی را نشان داده‌اند (استجر، فرازیر، اویشی و کالر^۱، ۲۰۰۶). افراد متدین معمولاً سطح بالایی از معناداری در زندگی را گزارش می‌کنند. این نه تنها یک مشاهده تجربی است، بلکه بخشی از فهم ما نسبت به دین نیز است (پارک^۲، ۲۰۱۳). در پاسخ به این سؤال که دین چگونه باعث احساس معنا در زندگی دین‌داران می‌شود؟ برخی از مطالعات به جنبه‌های شناختی و معرفتی دین اشاره کرده‌اند و معنا در زندگی دین‌داران را محصول نظام منسجم فکری برآمده از آموزه‌های دینی (الیسون و همکاران، ۱۹۸۹^۳؛ پالمر، ۱۹۸۹^۴) یا ابعاد روحی و درونی دین (گرلی و هاوت، ۲۰۰۶) می‌دانند. از نگاه بسیاری از محققان کارکرد باورهای دینی، فراهم کردن چارچوبی برای تفسیر همگن و هماهنگ از زندگی و معنا بخشیدن به آن است (الیسون، ۱۹۹۱^۵). زاهدی (۲۰۱۱) معتقد است اعتقادات دینی و معنوی به افراد امید می‌دهد و این خود عاملی برای احساس معنا در زندگی در میان متدینان است. جهان امروز به دلیل گسیختگی در نظام باورها و ارزش‌ها، دیگر نمی‌تواند نظام فکری منسجمی برای تفسیر جهان ارائه کند و از این جهت، دین می‌تواند منبعی برای گریز از حس تردید و ناامنی و احساس معنا در زندگی باشد. دین‌داری عبارت است از پذیرش تمام یا بخشی از عقاید، اخلاقیات و احکام دینی؛ به نحوی که شخص دین‌دار خود را ملزم به پیروی و رعایت از این مجموعه بداند (حشمت یغمایی، ۱۳۸۰)، و دین‌دار کسی است که با آگاهی به اصول و شعایر یک مذهب، در نظر و عمل، پیروی آن دین را اتخاذ می‌کند؛ به نحوی که این پیروی بر زندگی او تأثیر می‌گذارد (انوری، ۱۳۷۳).

لین^۶ (۲۰۰۱) منابع معناداری را در میان مهاجران چینی در کانادا بررسی کرده است. با روش تحلیل عاملی دوازده عامل (دین، رشد شخصی، موفقیت، پذیرش، رضایت، خانواده، ارتباط، نزدیک شدن به طبیعت، رفتار عادلانه، رابطه صمیمی، تعالی خود، پیگیری هدف) را شناسایی نمود. گرویدن و جوز^۷ (۲۰۱۵) نمونه‌ای شامل ۲۴۷ نفر از افراد ۳۰ - ۶۹ سال را در نیوزیلند بررسی

1. Steger, M. F., Frazier, P., Oishi, S. & Kaler, M.

2. Park, C. L.

3. Ellison, C. G. & et al.

4. Pollner, M.

5. Ellison, C. G.

6. Lin, A.

7. Grouden, M. E. & Jose, P. E.

نمودند. هدف آنها مشخص کردن منابع پیش‌بینی‌کننده معنا بود. نتایج نشان داد که وجود معنا به‌وسیله متغیرهای روابط بین‌فردی و خانوادگی و جست‌وجوی معنا توسط متغیرهای رشد شخصی و دین‌داری به‌طور مثبتی پیش‌بینی می‌گردد. مطالعه اکبری و همکاران (۱۳۹۸) نشان داد که دین‌داری دوازده درصد از احساس معنا را در زندگی تبیین می‌کند. نتایج چراغی و مولوی (۱۳۸۵) در پژوهشی نشان دادند افرادی که دارای اعتقادات دینی قوی باشند، کمتر احساس پوچی، ناامیدی و یأس می‌کنند و از عزت‌نفس بالاتری برخوردارند. پژوهش سراج‌زاده و رحیمی (۱۳۹۲) نشان می‌دهد که بعد اعتقادی دین‌داری رابطه معنادار مثبت و مستقیم با معنای زندگی دارد. نتایج تحقیق آقابابایی و همکاران (۱۳۹۷) حاکی از آن است که دین‌داری با شادی، رضایت از زندگی، حرمت نفس و معنای زندگی رابطه مثبت و معناداری دارد.

از متغیرهای دیگری که از قبل به‌عنوان نیازی برای معنی در زندگی شناسایی شده است، خودکارآمدی می‌باشد (باومیستر،^۱ ۱۹۹۱). خودکارآمدی، یعنی اعتقاد مثبت به توانایی خود برای انجام کاری یا رسیدن به هدفی می‌باشد. این دیدگاه که هرکس می‌تواند به اهدافش برسد با درک نوجوان از توانایی و ضرورت دنبال کردن هدف زندگی مرتبط است. اگرچه خودکارآمدی در محیط‌های جدا همچون مدرسه و محیط کار ارزیابی می‌شود، اما خودکارآمدی کلی مهم‌تر است؛ چون هدف زندگی وسیع و پیچیده است و به یک حیطه ختم نمی‌شود (اسکراسکی، کوپ، روزه، رتیلی و راه،^۲ ۲۰۰۵). بنابراین خودکارآمدی کلی، زیربنایی را می‌سازد که به نوجوان اعتمادبه‌نفس برای رسیدن به اهداف زندگی را می‌دهد. خودکارآمدی باعث ترغیب انگیزش و منابع شناختی فرد شده و عاملی برای اعمال کنترل بر رویدادهای معین است. باور به خودکارآمدی بر بسیاری از جنبه‌های زندگی مثل گزینش اهداف، تصمیم‌گیری، میزان تلاش، سطح استمراری و پایداری و رویارویی با مسائل چالش‌برانگیز تأثیر دارد (حجازی و شکوری‌فر، ۱۳۸۷).

براسای، پیکو و استجر (۲۰۱۳) مدل اجتماعی - شناختی معناداری را با ارزیابی متغیرهای روان‌شناختی (خودکارآمدی - خودنظم‌دهی و مقایسه اجتماعی) و متغیرهای والدینی (تفاهم یا پاسخ‌دهی از سوی والدین - سخت‌گیری والدین و حمایت اجتماعی آنان) در نمونه‌ای شامل ۱۹۴۴ نوجوان (۱۵ - ۱۹ سال) از هر دو جنس مورد آزمون قرار دادند. هم عوامل شناختی و هم

1. Baumeister, R. F.

2. Skrabski, A., Kopp, M., Rosa, S., Rethelyi, J. & Rahe, H.

عوامل مربوط به والدین به طور چشمگیری به معنی در زندگی ارتباط داشتند. طالب واحدی و حق (۱۳۹۰) در پژوهشی رابطه خودکارآمدی دانشگاهی، خودکارآمدی اجتماعی تصویری و حمایت اجتماعی را با معنا در زندگی دانشجویان بررسی نمودند. میانگین نمرات دانشجویان دختر در مقیاس‌های معنا در زندگی، خودکارآمدی دانشگاهی، زیرمقیاس حمایت اجتماعی (تقاضای گذران اوقات فراغت) و خودکارآمدی اجتماعی بیشتر از میانگین نمرات دانشجویان پسر بود. ۲۶ درصد واریانس متغیر ملاک در دانشجویان دختر به واسطه متغیرهای خودکارآمدی دانشگاهی و خودکارآمدی اجتماعی تصویری پیش‌بینی شدند. به طور کلی، خودکارآمدی دانشگاهی، بالاترین قدرت پیش‌بینی معنا در زندگی دانشجویان هر دو جنس را به خود اختصاص داد.

در ادبیات پژوهشی مربوط به معناداری به متغیر ارزش‌ها نیز پرداخته شده است. همان طوری که افراد رشد می‌کنند از ارزش‌های فردی به سمت ارزش‌های اجتماعی چون کمک به دیگران و پیوند با آنها حرکت می‌کنند. ارزش اجتماعی عبارت از چیزی است که مورد پذیرش همگان است. هر چیزی که جامعه به آن ارزش نهد، ارزش اجتماعی است (محسنی، ۱۳۷۹). ارزش اجتماعی واقعه یا امری است که مورد اعتنای جامعه قرار می‌گیرد. ارزش اجتماعی انگیزه «گرایش اجتماعی» می‌شود. گرایش‌های اجتماعی تمایلاتی کلی هستند که در فرد به وجود می‌آیند و ادراکات، عواطف و افعال او را در جهات معینی به جریان می‌اندازد. هر امر و هر چیزی اعم از مادی یا معنوی که در جامعه دارای قدر و اهمیت باشد و نیازهای مادی و معنوی انسان را برآورده کند از جمله ارزش‌های اجتماعی است. گوردون آلپورت ارزش‌های اجتماعی را شامل ارزش‌هایی مانند عشق به آدم‌ها، نوع‌دوستی، دیگرخواهی، مهربانی و از خودگذشتگی دانسته است (آزاد ارمکی و غفاری، ۱۳۸۳). به نظر روکیچ (۱۹۶۸، به نقل از: چلبی، ۱۳۸۳) ارزش، عقیده یا باور نسبتاً پایداری است که فرد با تکیه بر آن، یک شیوه رفتاری خاص یا یک حالت غایی را که شخصی یا اجتماعی است، به یک شیوه رفتاری خاص یا یک حالت غایی که در نقطه مقابل حالت برگزیده قرار دارد ترجیح می‌دهد. ارزش‌ها نه صرفاً ذهنی و نه صرفاً عینی، بلکه اموری عینی - ذهنی هستند. همچنین تا آنجا که به فرد انسانی مربوط است، می‌توان برای ارزش بعد تمناپذیر قائل شد که خود ناشی از تمایلات شناختی و عاطفی است. از طرف دیگر تا آنجا که به جامعه به عنوان یک متن مربوط می‌شود، می‌توان بعد معنایی و مفهومی برای ارزش قائل شد و آن ناشی از تعاملات گفتمانی در جامعه دانست. الیزابت، ادوارد و جکی^۱ (۲۰۱۶) ارزش‌های

1. Elizabeth, Y. u. A., Edward, C. C. & Jachie, K., H. J.

فرهنگی پیش‌بینی‌کننده معنا در زندگی را در میان دانشجویان آمریکایی که آسیایی و اروپایی تبار بودند، بررسی کردند. نتایج نشان داد مجموعه‌ای از ارزش‌ها به‌صورت کلی مقدار قابل توجهی از واریانس معنای زندگی را در میان دانشجویان آسیایی تبار پیش‌بینی کرد. همچنین تواضع و فروتنی به‌طور مثبت معنا در زندگی را برای دانشجویان آسیایی تبار و احترام به خانواده معنا در زندگی را به‌طور مثبت برای دانشجویان اروپایی تبار پیش‌بینی کرد. گروندن و جوز^۱ (۲۰۱۵) با هدف مشخص کردن منابع پیش‌بینی‌کننده معنا، پژوهشی را در نیوزیلند انجام دادند. نتایج نشان داد که وجود معنا به‌وسیله متغیرهای روابط بین‌فردی و خانوادگی و جست‌وجوی معنا توسط متغیرهای رشد شخصی و دین‌داری به‌طور مثبتی پیش‌بینی می‌گردد.

معناداری زندگی در فرهنگ اسلامی مسئله بسیار مهمی است و بحث پیرامون معنای زندگی از مسائلی است که در فلسفه اخلاق به‌طور جدی مطرح است و جزء مهم‌ترین مسائل فلسفی به‌شمار می‌رود. در مورد ضرورت معنا در زندگی می‌توان گفت که خداوند متعال انسان را آفریده و آفرینش او عبث و بیهوده نبوده است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: آیا گمان می‌کنید که شما را بیهوده آفریدیم و شما به‌سوی ما باز نمی‌گردید^۲ (مؤمنون، ۱۱۵)؛ چون آفرینش انسان بیهوده نیست آفریده خدا نیز بیهوده‌گرا نیست. در سوره دخان آیه ۳۸ و ۳۹ نیز به هدف‌داری خلقت اشاره شده است^۳ و یا آنجا که از قول بندگان خاص خود در سوره آل‌عمران آیه ۱۹۱ عبث و بیهودگی را نفی و هدف‌داری را بیان می‌دارد^۴. با وجود منابع غنی اسلامی در زمینه معناداری زندگی، اما پژوهش‌های علمی در این حوزه ناچیز است.

اهمیت معنا در زندگی از آنجا ناشی می‌شود که با ورود به جهان مدرن، نظام‌های ارزشی سنتی با چالش مواجه شدند و سیال بودن جهان زندگی مدرن، کثرت معناها و روایت‌های متعدد از آن، انسان‌ها را دچار سرگشتگی و اضطراب کرد (سراج‌زاده و رحیمی‌پور، ۱۳۹۲). معنا در زندگی و جایگاه و اهمیت آن برای برخوردار بودن از یک زندگی خوب و شاد، امری انکارناپذیر و غیر قابل کتمان است. از جنبه کاربردی نیز تدوین الگوی معنا در زندگی می‌تواند قدم مهمی در پیشگیری از

1. Grouden, M. E. & Jose, P. E.

۲. «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»

۳. «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»

۴. «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»

آسیب‌های اجتماعی و روانی و ارتقای سطح توانمندی‌های جامعه مورد مطالعه باشد. ناتوانی در یافتن معنای زندگی باعث اختلالاتی همچون اضطراب، افسردگی و گرایش به خودکشی می‌شود. بیشتر افرادی که عدم احساس رضایت از زندگی دارند، به خاطر آن است که نتوانسته‌اند معنایی برای زندگی خود پیدا کنند. بررسی منابع معنا در زندگی و دستیابی به عوامل تأثیرگذار می‌تواند گامی مهم در جهت کمک به افراد برای درک معنای زندگی و غلبه بر نگرانی مهم خود در دنیای امروز که احساس پوچی و بی‌معنای است، باشد.

داشتن معنا در زندگی مسئله‌ای است که در دوره نوجوانی با توجه به مسائل و مشکلات خاص این دوره اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در پژوهش‌های قبلی روی مجموعه‌ای از متغیرها به صورت مجزا کار شده است و بیشتر روابط دوجانبه را بررسی نموده‌اند. مطالعه حاضر مجموعه‌ای از متغیرها را با هم آزمون می‌کند. با توجه به مبانی نظری موجود، در این پژوهش ارزش‌های اجتماعی به عنوان متغیر میانجی بین دین‌داری و خودکارآمدی با معنا در زندگی در نظر گرفته شد. به طور کلی، سؤال اساسی پژوهش این بود که آیا تدوین مدل معنا در زندگی بر اساس دین‌داری و خودکارآمدی با میانجیگری ارزش‌های اجتماعی دارای برازش مطلوب است؟

روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و به شیوه مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام شده است. به منظور تبیین معنای زندگی بر پایه مدل‌یابی، مفروضه‌های معادلات ساختاری در مدل مورد مطالعه، مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر سال سوم دوره متوسطه دوم شهر ایلام به تعداد ۴۴۷۶ نفر که در ۲۰ آموزشگاه به تحصیل اشتغال داشتند، با استفاده از جدول مورگان و کرجسی نمونه‌ای به حجم ۳۷۴ نفر انتخاب گردید. به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای ابتدا از بین ۲۰ دبیرستان، تعداد چهار دبیرستان انتخاب شد؛ سپس از هر دبیرستان سه کلاس و در نهایت پرسش‌نامه‌ها بین دانش‌آموزان ۱۲ کلاس توزیع شدند. در تحلیل داده‌های این پژوهش به منظور بررسی روابط مستقیم، غیرمستقیم و کلی هریک از متغیرهای مستقل با متغیر وابسته از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار اموس^۱ ۲۲ برای تجزیه و تحلیل استفاده شده است. به همین منظور ابتدا داده‌ها از طریق نرم‌افزار اس پی اس ۲۳

وارد گردید و سپس به محیط اموس به منظور مدل سازی انتقال یافت.

ابزارهای پژوهش

پرسش نامه معنای زندگی: پرسش نامه معنای زندگی^۱ توسط استگر، فریزر، اویشی و کالر (۲۰۰۶) جهت ارزیابی وجود معنا و تلاش برای یافتن معنا ارائه شده و اعتبار و پایایی و ساختار عاملی آن در پژوهش های مختلف با نمونه های متفاوت مورد بررسی قرار گرفته است. مقیاس معنای زندگی شامل دو زیرمقیاس است که وجود معنا در زندگی و نیز جست و جو برای یافتن معنا را ارزیابی می کند. مجموع نمرات سؤال های ۲، ۳، ۷، ۸ و ۱۰ میزان تلاش فرد برای یافتن معنا و مجموع نمرات سؤال های ۱، ۴، ۵، ۶ و ۹ میزان حضور معنا در زندگی فرد را مشخص می کنند. پایایی بازآزمایی با فاصله زمانی یک ماه برای زیرمقیاس های وجود معنا و جست و جوی معنا به ترتیب ۰/۷۰ و ۰/۷۳ است (استگر و همکاران، ۲۰۰۶). سازندگان آزمون روایی هم گرا با (آزمون های رضایت از زندگی، عاطفه مثبت و عوامل شخصیتی برون گرایی و توافق پذیری) و واگرا با (آزمون های افسردگی، عاطفه منفی و نوروگرایی) را بررسی کرده و روایی خوبی برای آن گزارش داده اند. همچنین ضریب همسانی درونی هر دو زیرمقیاس وجود و جست و جوی معنا به ترتیب ۰/۸۳ و ۰/۷۸ بوده است. احمدی و همکاران (۱۳۹۵) با روش بازآزمایی و با فاصله زمانی ۱۵ روز برای زیرمقیاس وجود معنا پایایی ۰/۷۹ و برای زیرمقیاس جست و جوی معنا ۰/۷۱ را گزارش داده اند. در مطالعه حاضر آلفای کرونباخ محاسبه شده برای زیرمقیاس وجود معنا ۰/۸۳ و برای جست و جوی معنا ۰/۷۸ بود.

پرسش نامه دین داری: پرسش نامه دین داری^۲ توسط گلاک و استارک^۳ (۱۹۶۵) ساخته شده است. دارای ۲۶ گویه است که در چهار بعد اعتقادی با (۷ گویه)، عاطفی با (۶ گویه)، پیامدی با (۶ گویه) و مناسکی با (۷ گویه) جهت سنجش میزان دین داری به کار می رود. مقیاس اندازه گیری مورد استفاده در این سنجش، لیکرت می باشد که هر گویه پنج درجه ارزشی (کاملاً موافق، موافق، بینابین، مخالف و کاملاً مخالف) را دربر می گیرد و ارزش های هر گویه بین صفر تا چهار متغیر می باشد. سراج زاده و رحیمی (۱۳۹۲) در پژوهشی ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسش نامه را ۰/۹۰، بعد اعتقادی ۰/۹۰،

1. Meaning in Life Questionnaire

2. Religiosity Questionnaire

3. Glock, C. & Stark, R.

بعد تجربی ۰/۸۱، بعد پیامدی ۰/۷۴ و بعد مناسکی ۰/۸۸ به‌دست آوردند. پایایی این ابزار در پژوهش حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه ۰/۸۴، بعد اعتقادی ۰/۷۴، بعد عاطفی ۰/۷۳، بعد پیامدی ۰/۶۴ و بعد مناسکی ۰/۶۸ محاسبه شد.

پرسش‌نامه خودکارآمدی عمومی: پرسش‌نامه خودکارآمدی عمومی^۱ (شرر و همکاران، ۱۹۸۲) دارای ۱۷ گویه است. شرر و همکاران^۲ (۱۹۸۲) بدون مشخص کردن عوامل و گویه‌های آنها معتقدند که این مقیاس سه جنبه از رفتار شامل میل به آغازگری رفتار، میل به گسترش تلاش برای کامل کردن تکلیف و تفاوت در رویارویی با موانع را اندازه‌گیری می‌کند. وودرووف و کاشمن^۳ (۱۹۹۳) در بررسی مقیاس خودکارآمدی عمومی شرر روایی و اعتبار این مقیاس را تأیید کردند. آنها برای مطالعه روایی سازه از روش تحلیل عامل اکتشافی استفاده کرده و وجود سه عامل در این مقیاس را نشان دادند. پاسخ‌گویان در مقابل هریک از عبارت‌ها یکی از گزینه‌های کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم را انتخاب می‌کنند. شیوه نمره‌گذاری این مقیاس برای سؤالات شماره ۱، ۳، ۸، ۹، ۱۳ و ۱۵ به این صورت است که گزینه کاملاً موافقم، ۵، موافقم، ۴، نظری ندارم، ۳، مخالفم، ۲، و کاملاً مخالفم نمره ۱ تعلق می‌گیرد. برای بقیه سؤالات روش نمره‌گذاری معکوس می‌باشد. در نهایت به‌منظور محاسبه میزان خودکارآمد فرد پاسخ‌دهنده، امتیاز تک‌تک سؤالات را با هم جمع نموده و به‌عنوان نمره خودکارآمدی فرد در نظر می‌گیریم. هرچه امتیاز بالاتر باشد نشان‌دهنده خودکارآمدی بالاتر خواهد بود. پایایی مقیاس از طریق محاسبه آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به‌دست آمد.

مقیاس ارزش‌های اجتماعی: ارزش‌ها نمایانگر عقاید و اصولی هستند که از نظر فردی یا اجتماعی، نوعی رفتار برتر شمرده می‌شوند و یا به باورهای افراد یک جامعه درباره آنچه خوب، درست و مطلوب است گفته می‌شود. ارزش‌ها، نمایانگر گرایش‌های افراد و تبیین‌کننده رفتارهای فردی و اجتماعی آنان بوده و انتخاب‌ها بر اساس آنها انجام گرفته و فرد را به عمل وامی‌دارند. مقیاس محقق ساخته ارزش‌های اجتماعی^۴ (بایری، ۱۳۹۹) را پژوهشگر بر اساس منابع موجود تدوین نمود؛ سپس مقیاس در اختیار پنج نفر از استادان رشته جامعه‌شناسی قرار گرفت و بعد از

1. General Self-Efficacy Questionnaire

2. Sherer, M. & et al.

3. Woodruff, S. & Cashman, J.

4. Social Values Scale

اعمال نظرات متخصصین، ۳۰ نفر از نوجوانان دختر به سؤالات آن پاسخ دادند. در نهایت همبستگی درونی محاسبه و عدد به دست آمده قابل قبول بود. در این مقیاس به ارزش‌هایی مانند نوع دوستی، عدالت، تحصیلات، شغل، خانواده، فرزند و روابط با دوستان اشاره شده بود. در تدوین پرسش‌نامه از پاسخ‌گویان خواسته شد تا اهمیت هر کدام از موارد ذکر شده را بر اساس یک طیف هفت‌درجه‌ای (خیلی کم، کم، کمتر از متوسط، متوسط، بیشتر از متوسط، زیاد، خیلی زیاد) مشخص نمایند. پایایی با استفاده از روش بازآزمایی با فاصله زمانی یک هفته ۰/۶۷ به دست آمد. همچنین آلفای کرونباخ محاسبه شده ۰/۷۳ بود.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش از تکنیک الگوسازی معادلات ساختاری برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش به صورت متغیرهای مکنون و در قالب مدل‌های مرتبه اول وارد مدل شدند. مفروضه‌های معادلات ساختاری در مدل مورد مطالعه، مورد بررسی قرار گرفت، به خصوص هم‌پوشانی متغیرهای مستقلی که واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. یک شاخصی که در این مورد استفاده شده همبستگی بین متغیرهای موجود در مدل بوده که در جدول (۱) آورده شده است. همبستگی پایین و متوسط بین متغیرها نشان می‌دهد که هم‌خطی پایین است. همچنین از تکنیک خودگردان‌سازی^۱ که نیاز به پیش‌فرض‌های توزیعی ندارد برای تعیین معناداری و فاصله اطمینان اثرات مستقیم، غیرمستقیم، کل و میانجی استفاده گردید.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی مؤلفه‌ها و متغیرهای پژوهش

مؤلفه/متغیر	تعداد	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار
مؤلفه مناسکی	۳۸۴	۴	۱۷	۱۰/۷۹	۲/۰۳
مؤلفه اعتقادی	۳۸۴	۱۴	۲۸	۲۵/۲۵	۲/۷۵
مؤلفه عاطفی	۳۸۴	۱۱	۲۴	۱۹/۶۳	۳/۲۲
مؤلفه پیامدی	۳۸۴	۴	۲۴	۱۵/۲۲	۳/۷۳
متغیر دین‌داری	۳۸۴	۳۸	۹۱	۷۰/۹	۸/۸۳
خانواده	۳۸۴	۲	۷	۶/۰۵	۱/۰۹
فرزندپروری	۳۸۴	۲	۷	۵/۵۳	۱/۳۳
شغل	۳۸۴	۱	۷	۵/۹۲	۱/۲۳
روابط با دوستان	۳۸۴	۲	۷	۵/۶۹	۱/۲۳

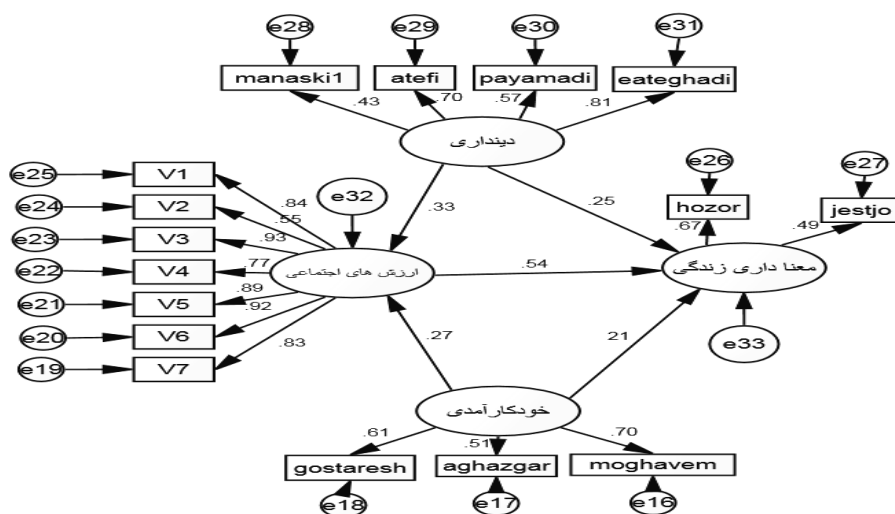
مؤلفه/متغیر	تعداد	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار
تحصیلات	۳۸۴	۱	۷	۵/۸۴	۱/۲۱
عدالت	۳۸۴	۲	۷	۵/۶۸	۱/۲۴
نوع دوستی	۳۸۴	۱	۷	۵/۶۶	۱/۲۱
متغیر ارزش‌های اجتماعی	۳۸۴	۱۱	۴۹	۴۰/۳۷	۷/۲۳
مؤلفه مقاوم	۳۸۴	۳	۱۵	۱۰/۷۵	۲/۸۸
مؤلفه گسترش	۳۸۴	۱۴	۴۵	۳۳/۲۸	۶/۲۷
مؤلفه آغازگری	۳۸۴	۴	۱۵	۱۰/۳۵	۲/۵۷
خودکارآمدی	۳۸۴	۳۴	۷۵	۵۴/۴۳	۶/۲۱
حضور معنا در زندگی	۳۸۴	۱۰	۳۵	۲۷/۲۹	۵/۲۴
جست‌وجوی معنا در زندگی	۳۸۴	۱۴	۳۵	۲۹/۴۸	۴/۹۷
متغیر معنا در زندگی	۳۸۴	۳۱	۷۰	۵۶/۷۶	۸/۴۲

اطلاعات جدول (۱) نشان می‌دهد که در بین مؤلفه‌های دین‌داری بیشترین میانگین مربوط به مؤلفه اعتقادی به میزان ۲۵/۲۵ و کمترین مربوط به مؤلفه مناسکی با ۱۰/۷۹ بوده و میانگین متغیر دین‌داری ۷۰/۹ می‌باشد. در بین مؤلفه‌های ارزش‌های اجتماعی بیشترین میانگین را مؤلفه خانواده با ۶/۰۵ و کمترین را مؤلفه فرزندپروری با ۵/۵۳ دارد. میانگین نمره خودکارآمدی نمونه آماری ۵۴/۴۳ بوده و مؤلفه میل به گسترش تلاش برای کامل کردن تکلیف با ۳۳/۲۸ بیشترین میانگین در بین مؤلفه‌های این متغیر را دارد. متغیر معنا در زندگی ۵۶/۷۶ بوده و میانگین نمره جست‌وجوی معنا در زندگی بیشتر از حضور معنا در زندگی می‌باشد

جدول ۲: همبستگی درونی خرده‌مقیاس‌های پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۱ اعتقادی	۱															
۲ مناسکی	۰/۳۰	۱														
۳ عاطفی	۰/۵۹	۰/۲۵	۱													
۴ پیامدی	۰/۴۲	۰/۴۵	۰/۴۰	۱												
۵ خانواده	۰/۳۳	۰/۲۰	۰/۲۲	۰/۲۰	۱											
۶ فرزند	۰/۲۱	۰/۱۹	۰/۱۴	۰/۱۲	۰/۴۷	۱										
۷ شغل	۰/۳۳	۰/۲۱	۰/۲۱	۰/۱۷	۰/۷۹	۰/۴۹	۱									
۸ روابط	۰/۲۸	۰/۱۲	۰/۲۱	۰/۱۲	۰/۶۶	۰/۳۶	۰/۷۲	۱								
۹ تحصیل	۰/۳۵	۰/۱۸	۰/۲۵	۰/۱۶	۰/۷۳	۰/۵۲	۰/۸۲	۰/۶۹	۱							
۱۰ عدالت	۰/۳۲	۰/۲۰	۰/۱۹	۰/۲۱	۰/۷۶	۰/۵۲	۰/۸۶	۰/۷۱	۰/۸۲	۱						
۱۱ نوع دوستی	۰/۲۳	۰/۲۱	۰/۱۷	۰/۱۲	۰/۷۱	۰/۵۹	۰/۷۶	۰/۶۳	۰/۷۴	۰/۷۷	۱					
۱۲ حضور معنا	۰/۳۳	۰/۲۰	۰/۲۷	۰/۲۵	۰/۵۰	۰/۲۶	۰/۳۹	۰/۳۹	۰/۴۸	۰/۴۶	۰/۴۱	۱				
۱۳ جست‌وجو	۰/۳۰	۰/۱۵	۰/۱۹	۰/۱۹	۰/۴۰	۰/۲۳	۰/۳۹	۰/۳۸	۰/۴۲	۰/۳۷	۰/۳۶	۱				
۱۴ آغازگری	۰/۱۷	۰/۱۹	۰/۱۷	۰/۱۶	۰/۲۲	۰/۲۰	۰/۲۳	۰/۱۴	۰/۲۱	۰/۲۳	۰/۱۵	۰/۳۹	۰/۱۷	۱		
۱۵ مقاومت	۰/۲۱	۰/۲۲	۰/۲۶	۰/۱۸	۰/۲۸	۰/۱۴	۰/۲۰	۰/۱۵	۰/۲۰	۰/۲۲	۰/۱۷	۰/۳۸	۰/۲۳	۰/۲۳	۱	
۱۶ گسترش	۰/۲۲	۰/۲۱	۰/۲۳	۰/۳۱	۰/۲۱	۰/۱۷	۰/۲۶	۰/۱۳	۰/۲۱	۰/۲۰	۰/۱۹	۰/۳۶	۰/۱۸	۰/۲۸	۰/۴۵	۱

اطلاعات جدول (۲) نشان می‌دهد که همبستگی درونی همه متغیرهای پژوهش که بیشتر از ۰/۱۵ بودند در سطح یک درصد و بقیه هم در سطح پنج درصد معنادار بودند؛ بنابراین شرط لازم برای آزمون مدل که داشتن رابطه معنادار متغیرهای پژوهش است، فراهم می‌باشد. به‌منظور بررسی فرضیه‌های پژوهش از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری استفاده گردید. متغیرهای پژوهش به‌صورت متغیرهای مکنون و در قالب مدل‌های عاملی مرتبه اول وارد مدل شدند. برآوردهای مربوط به پارامترهای اصلی در نمودار (۱) آمده است.



نمودار ۱. آزمون مدل ساختاری پژوهش با تخمین استاندارد

جدول ۳: شاخص‌های برازش مدل

χ^2	DF	CMIN/DF	CFI	PCFI	RMSEA	IFI
۲۶۳/۸۷۵	۹۹	۲/۶۶۵	۰/۹۴۴	۰/۷۷۹	۰/۰۶۹	۰/۹۴۵

اطلاعات جدول (۳) نشان می‌دهند که شاخص‌های تطبیقی مدل، عدد بالاتر از ۰/۹۰ را نشان می‌دهند که به معنی توان مدل در فاصله گرفتن از یک مدل استقلال و نزدیک شدن به مدل اشباع‌شده بر مبنای معیارهای تعریف شده است. سه شاخص اصلی برازش مقتصد مقادیر بالاتر از ۰/۶۰ را نشان می‌دهند که بیانگر این است که در تعریف پارامترهای آزاد پژوهشگر از خود امساک نشان داده است. شاخص بدی برازش در دامنه قابل قبول (۰/۰۶۹) قرار دارد. زمانی که از الگوی معادلات ساختاری استفاده می‌شود، یک مؤلفه مهم تحلیل، ارزیابی چگونگی برازش مدل

فرضیه‌ای با داده‌های مشاهده شده است. شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل در جدول (۳) با مد نظر قرار دادن دامنه مطلوب این شاخص‌ها، در مجموع بیانگر این است که داده‌های پژوهش، مدل تدوین شده را حمایت می‌کنند. به عبارت دیگر، برازش داده‌ها به مدل برقرار است. همه شاخص‌ها در دامنه مطلوب و دلالت بر مطلوبیت مدل دارند؛ بنابراین فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۴: اثرات مستقیم متغیرها

اثرات متغیرها	وزن رگرسیونی	حد بالا	حد پایین	معنی‌داری
دین‌داری ← معنا در زندگی	۰/۲۴۷	۰/۴۴۳	۰/۰۵۷	۰/۰۰۰
خودکارآمدی ← معنا در زندگی	۰/۵۵۴	۰/۷۵۷	۰/۳۶۴	۰/۰۰۰
ارزش‌های اجتماعی ← معنا در زندگی	۰/۵۳۹	۰/۷۱۰	۰/۳۸۱	۰/۰۰۰
خودکارآمدی ← ارزش‌های اجتماعی	۰/۲۶۷	۰/۴۱۳	۰/۱۱۵	۰/۰۰۰
دین‌داری ← ارزش‌های اجتماعی	۰/۳۲۵	۰/۴۵۴	۰/۱۸۲	۰۰/۰۰

یافته‌های جدول (۴) اثر رابطه مستقیم متغیرهای دین‌داری، خودکارآمدی و ارزش‌های اجتماعی بر معنا در زندگی را نشان می‌دهد که اثرات مستقیم این متغیرها مثبت و معنادار بوده است. برای بررسی معناداری ضریب حاصل از نمونه، بر دو مقوله حد بالا و پایین متمرکز می‌شویم. می‌توانیم با ۰/۹۵ اطمینان بگوییم که ضریب تعیین در جامعه آماری از چه حداقل و حداکثری برخوردار است. چون صفر در دامنه حد بالا و پایین همه ضریب‌های تعیین قرار نمی‌گیرد؛ بنابراین همه رابطه‌های مستقیم متغیرهای فوق بر معنا در زندگی تأیید می‌گردند. یافته دیگری که در این جدول به آن اشاره شده است تأثیر مستقیم متغیرهای اصلی بر متغیرهای میانجی است که این تأثیرات همه مثبت بوده و دارای تفاوت معنادار با صفر هستند.

جدول ۵: اثرات غیرمستقیم و کل متغیرهای پژوهش

اثرات متغیرها	وزن رگرسیونی	کران بالا	کران پایین	معنی‌داری
اثر غیرمستقیم دین‌داری ← معنا در زندگی	۰/۱۷۵	۰/۲۷۹	۰/۰۹۲	۰/۰۰۰
اثر غیرمستقیم خودکارآمدی ← معنا در زندگی	۰/۱۴۴	۰/۲۲۹	۰/۰۷۴	۰/۰۰۰
اثر کل دین‌داری ← معنا در زندگی	۰/۴۲۲	۰/۶۳۴	۰/۱۹۸	۰/۰۰۰
اثر کل خودکارآمدی ← معنا در زندگی	۰/۶۹۸	۰/۹۰۱	۰/۴۹۶	۰/۰۰۰
اثر کل ارزش‌های اجتماعی ← معنا در زندگی	۰/۵۳۹	۰/۷۱۰	۰/۳۸۱	۰/۰۰۰

جدول (۵) یافته‌های مربوط به روابط غیرمستقیم را نشان می‌دهد. اثر غیرمستقیم متغیر دین‌داری روی ارزش‌های اجتماعی معنادار می‌باشد. میزان تأثیر غیرمستقیم دین‌داری روی متغیر ارزش‌های اجتماعی بیشتر از متغیر خودکارآمدی می‌باشد. به‌طورکلی، میزان تأثیر غیرمستقیم دین‌داری روی معنا در زندگی ۰/۱۷۵ است. با استفاده از تکنیک خودگردان‌سازی می‌توان با اطمینان ۰/۹۵ میزان این اثرگذاری را بین ۰/۲۷۹ و ۰/۰۹۲ برآورد نمود. متغیر خودکارآمدی نیز از مسیر ارزش‌های اجتماعی روی معنا در زندگی تأثیر می‌گذارد. میزان این تأثیر ۰/۱۴۴ و از نظر آماری معنادار است. به‌طورکلی، اطلاعات جدول (۴) بیانگر این است که تمامی رابطه‌هایی که ادعای معناداری تأثیر غیرمستقیم و میانجی را دارند از نظر آماری مورد تأیید می‌باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مدلیابی معنا در زندگی بر اساس دین‌داری و خودکارآمدی با نقش میانجی ارزش‌های اجتماعی انجام گرفت. یکی از سازه‌هایی که در سال‌های اخیر گسترش پیدا کرده و به‌عنوان شاخص بهزیستی مورد توجه قرار گرفته، معنا در زندگی است. همه انسان‌ها در طول زندگی خود با تجربه‌های آزاردهنده و دشواری‌ها و نامالایماتی روبه‌رو هستند که تفسیر و توجیه آنها همواره معضلی فکری برای اندیشمندان بوده است. از دیگر سو، پرسش از آغاز و انجام زندگی فردی و هستی انسان پرسشی است که اگر پاسخ موجهی نیابد او را دچار تشویش و سردرگمی‌های مشکل‌آفرین می‌کند. همه این پرسش‌ها و دغدغه‌ها با مسئله معنای زندگی انسان پیوند می‌یابد که نحوه پاسخ‌گویی به آن، تجارب زندگی و کارکرد فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از دیدگاه تاریخی زندگی معنادار از بحث برانگیزترین مفاهیم در فلسفه و روان‌شناسی بوده است. فرانکل (۱۹۶۳) معناجویی افراد در زندگی را باور داشت. او می‌گوید رفتار انسان‌ها بر پایه لذت‌گرایی فروید یا نظریه قدرت‌طلبی آدلر نیست، بلکه انسان‌ها در زندگی به دنبال معنا و مفهومی برای زندگی خود هستند. اگر فردی نتواند معنایی در زندگی خویش بیابد، احساس پوچی به او دست داده و از زندگی ناامید شده و ملالت و خستگی وجودش را فرامی‌گیرد.

برای پاسخ به سؤال اساسی پژوهش با استفاده از شاخص‌های کلی برازش می‌توان به این پرسش جواب داد که صرف‌نظر از مقادیر گزارش‌شده برای پارامترها، آیا مدل تدوین‌شده به‌طورکلی توسط داده‌های تجربی گردآوری‌شده حمایت می‌شود یا خیر؟ شاخص‌های تطبیقی مدل، عدد بالاتر از

۰/۹۰ را نشان می‌دهند که به معنی توان مدل در فاصله گرفتن از یک مدل استقلال و نزدیک شدن به مدل اشباع شده بر مبنای معیارهای تعریف شده است. سه شاخص اصلی برازش مقتصد مقادیر بالاتر از ۰/۶۰ را نشان می‌دهند که بیانگر این است که در تعریف پارامترهای آزاد پژوهشگر از خود امساک نشان داده است. شاخص بدی برازش در دامنه قابل قبول قرار دارد. این شاخص که با ترکیبی از خصایص شاخص‌های مطلق، شاخص‌های مقتصد و حجم نمونه محاسبه می‌شود، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های برازش مدل است (قاسمی، ۱۳۹۲).

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، اثر کل دین‌داری به عنوان یک متغیر مستقل بر معنا در زندگی ۰/۴۲۲ است. این میزان اثرگذاری از طریق رابطه مستقیم و غیرمستقیم دین‌داری بر معنا در زندگی حاصل شده است. این نتایج با یافته‌های پارک (۲۰۱۳)، استجر، فرازیر، اویشی و کالر (۲۰۰۶)، امونس (۲۰۰۵)، کرس و همکاران (۲۰۱۵)، داماسیو و کولر (۲۰۱۵)، گیتی‌پسند و همکاران (۱۳۹۴)، جناآبادی و سابق (۱۳۹۳)، سراج‌زاده (۱۳۹۲)، خاکشور و همکاران (۱۳۹۲) و پیمانفر و همکاران (۱۳۹۱) که عنوان نموده‌اند بین دین‌داری و معنای زندگی رابطه وجود دارد، هماهنگ است. در تبیین یافته‌های مربوط به ارتباط بین دین‌داری و معنای زندگی نیز می‌توان گفت که افراد در پی دستیابی به معنای زندگی به دنبال پاسخ به سؤال‌هایی‌اند تا برای خود و جنبه‌های مختلف زندگی مفهوم و معنا بیابند؛ سؤال‌هایی از قبیل من کیستم؟ کجای این دنیا قرار دارم؟ چه هدفی را در زندگی دنبال می‌کنم؟ و به کجا در حرکت هستم؟ از این رو نظام‌های مختلفی در پی پاسخ‌گویی به این سؤالات برآمدند که بتوانند به زندگی معنا بخشند که یکی از این نظام‌ها دین است. دین به وسیله آموزه‌های دینی، با ایجاد اعتقادات و باورها درباره حضور خداوند، باعث افزایش معنای زندگی در افراد می‌شود و با پاسخ‌گویی به این گونه سؤالات وجودی، معنا در زندگی را برای افراد به ارمغان می‌آورد.

از مهم‌ترین کارکردهای اساسی دین، تبیین معنای زندگی است. هر انسانی از خود می‌پرسد که زندگی برای چیست؟ درد و رنج و مرگ و میرها چه معنا دارد؟ و در مجموع آیا جهان ارزش زیستن دارد یا نه؟ یافتن پاسخی صحیح در برابر این پرسش‌ها زندگی‌ساز است و ناکامی در برابر آن زندگی سوز. دین با تبیین جاودانگی، حکمت و هدفمندی هستی و جهت‌گیری روبه خیر و کمال و تعالی آن، در پرتو تدبیر خالق حکیم، خردپذیرترین و دل‌پسندترین معنا از حیات انسان و جهان را به دست می‌دهد. جامعه‌شناسان دین به صورت کلی بر این باورند که دین برای انسان‌ها می‌تواند

چارچوبی منظم خلق کند که کل هستی در این چارچوب قابل تفسیر باشد. دین در سطح فردی دارای کارکردهایی نظیر دادن معنا و هدف به زندگی، ایجاد احساس آرامش در فرد، تثبیت احساس تعلق فرد به جامعه، ایجاد نظامی از ارزش‌های اخلاقی برای فرد و تشکیل هویت فردی است. تمامی این کارکردها بر احساس معنا در زندگی مؤثر هستند.

دین با ارائه توضیحات و توجیهاتی آرامش‌بخش، ناکامی‌ها و نابرابری‌های اجتماعی و طبقاتی را قابل تحمل می‌کند. علاوه بر آن، دین با پاسخ دادن به معماهای هستی مانند مسئله مرگ و بی‌سرانجامی عالم، به زندگی معنا می‌بخشد و درعین حال به افراد کمک می‌کند تا بر ترس و هراس ناشی از مرگ و سایر وضعیت‌های هولناک زندگی غلبه کنند. امروزه دین‌داری جایگاه مهمی را در علوم رفتاری و سلامت کسب نموده است. افراد دین‌دار مجهز به معلومات و اعمالی هستند که به آنها در افزایش حس وحدت و انسجام کمک می‌کند و در نتیجه آنها بهتر می‌توانند با شرایط مختلف و گاه دشوار زندگی کنار بیایند (پرس و همکاران، ۲۰۱۸). کارکرد دیگر دین در عرصه اجتماعی،

معنادهی به زندگی اجتماعی و فردی است. اگر همه نیازهای انسان‌ها در عرصه مادی مانند مسکن، شغل، تفریح و... تأمین شود، ولی انسان احساس باطل بودن و پوچی بکند و لذت معنوی

از زندگی نبرد و احساس کند مانند سایر حیوانات از لذات مادی بهره‌مند است، طبیعتاً به پوچی خواهد رسید و دین آمده تا انسان‌ها و جامعه را از بی‌هدفی و بی‌معنایی نجات دهد (مؤمنون: ۱۱۵).^۲

دین به عنوان تنها راه امیدبخشی و معنادهی به اعمال و زندگی انسان نقشی ضروری دارد. اگر انسان متدینی باشیم و بپذیریم که خداوند، دانا، توانا و آگاه به همه امور است و خالق جهان هستی است و از این خلقت خود هدفی دارد، هرگز دچار احساس بی‌معنایی نمی‌شویم و با پذیرش دین و خداآوری می‌توانیم به تبیین واقع‌بینانه‌ای از جهان دست یابیم؛ زیرا سؤالات مربوط به منشأ پیدایش جهان یکی از مواردی است که همواره انسان را با شگفتی و سردرگمی مواجه کرده و او را در برابر پرسش معنای زندگی قرار داده است. بر اساس دیدگاه ادیان توحیدی، جهان حاصل شانس و تصادف نبوده، بلکه نتیجه یک انتخاب هوشمندانه است که مدبرانه مراقب آن می‌باشد. این تفسیر از هستی که به کمک باورها و اعتقادات دینی حاصل می‌شود، پیامد احساس معنا و معناداری

1. Peres, M. F. & et al.

۲. «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»

زندگی را برای انسان به دنبال دارد. افراد دین‌دار به اصول و معلومات دینی معتقد بوده و ایمان دارند و نسبت به اجرای اوامر دینی متعهد هستند؛ بنابراین دین‌داری به صورت قابل ملاحظه‌ای بر باورها و نگرش افراد تأثیر می‌گذارد. یکی از این باورهای مهم این است که جهان هستی توسط پروردگار خلق گردیده و اداره می‌شود و هر رویدادی که در این دنیا و در زندگی روزمره انسان‌ها رخ می‌دهد، تحت اراده و حکمت پروردگار است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در بین جامعه‌شناسان تقریباً اجماعی وجود دارد مبنی بر اینکه دین یکی از منابع مهم معنابخش به زندگی است. به نظر ماکس وبر تمام ادیان در طول تاریخ تلاش کرده‌اند تا نیاز به «معنی» را رفع کنند. هدف و کارکرد تمام ادیان و پیامبران، درک‌پذیر ساختن جهان و معنا بخشیدن به زندگی از طریق خلق نظام‌های ارزشی است (وبر،^۱ ۱۹۶۳). برجسته‌ترین عملکرد روان‌شناختی دین، ارائه حس معنا و هدف در زندگی است؛ زیرا دین فرصت‌هایی را در اختیار افراد برای کشف هدف یا معنا در زندگی‌شان قرار می‌دهد (ماتوس و همکاران،^۲ ۲۰۱۰).

بر اساس الگوی گلاک و استارک (۱۹۶۵) از چهار بعد اعتقادی، عاطفی، پیامدی و مناسکی برای سنجش دین‌داری در این پژوهش استفاده شد. از بین این ابعاد چهارگانه بعد اعتقادی و عاطفی دارای بیشترین بار عاملی و بعد مناسکی دارای کمترین بار بود. با توجه به این یافته به نظر می‌رسد آن جنبه از دین که کارکرد معنابخشی بیشتری در دوره نوجوانی دارد، باورها و عواطف دینی هستند که ناظر به اعتقاد به خداوند، روز قیامت و احساس آرامش روانی انسان می‌باشند. چون در مسئله معنا نوجوانان معماها و سؤالات زیادی درباره جهان آفرینش دارند و به دنبال مبنایی برای پاسخ‌گویی به آن سؤالات هستند و از این طریق نظامی را بر جهان حاکم می‌کنند؛ بنابراین باورها و اعتقادات دینی می‌توانند در این خصوص نقش مهمی را ایفا نمایند. به همین خاطر است که همبستگی بعد اعتقادی با معناي زندگی بیشتر است. این موضوع در روان‌شناسی اجتماعی و نظریه نگرش‌ها تحت عنوان تفاوت میان بعد شناختی با بعد رفتاری انسان مطرح است. به عبارت دیگر، ابعاد شناختی و عاطفی دین‌داری بیشتر با مسائل نظری و ابعاد پیامدی و مناسکی با مسائل عملی دین ارتباط بیشتری دارند.

1. Veber, M.

2. Matos, T. & et al.

تبیین کارکردی مصطفی ملکیان از دین چیزی است که موجب تخفیف درد و رنج آدمیان از راه رفع یا توجیه محدودیت‌هایی که احساس می‌کنند، می‌شود (ملکیان، ۱۳۸۵). تعریف و تلقی کارکردی از دین، طیف وسیعی از توصیفات دین را تشکیل می‌دهد، حتی منکران حقیقت دین نیز، معمولاً کارکردهای مثبت مختلفی برای دین شمرده‌اند. پارسونز با اینکه دین را حامل خرافات و جهل می‌داند، بر آن است که دین می‌تواند ارزش‌ها را بیافریند، هنجارها را شکل دهد، نقش‌ها را سازمان دهد و رهنمود کلی برای نظام‌های اجتماعی، شخصیت و رفتار ارائه نماید (شجاعی زند، ۱۳۸۰). روان‌شناسان دینی بر کارکردهای دین در تسکین آلام و کاهش نومیدی بشر در زندگی اجتماعی و افزایش تحمل‌پذیری و تسکین همراه با آرامش خاطر، غلبه بر ترس از مرگ، فراهم آوردن کانونی برای اتکا و سرسپردگی و سرانجام دستیابی به نوعی تشفی روانی و ایجاد شخصیت همساز تأکید کرده‌اند (شجاعی زند، ۱۳۸۰).

آن جنبه‌ای از دین‌داری که بعد از باورها و اعتقادات بیشترین کارکرد معنابخشی با زندگی دارد، عواطف دینی است. این بعد خصوصی‌ترین جنبه دین است و از طرفی کمترین آیین و قواعد را دارد، لذا افراد آزادانه به هر شکل ممکن می‌توانند با خدای خود ارتباط برقرار کنند و تجربه‌ای از وجود و حضور خدا پیدا کنند. ارتباط با خدا شباهت چشمگیری به دلبستگی مراقبت کودک دارد؛^{۳۰۷} به‌طوری‌که در هنگام استرس، سیستم دلبستگی کودک فعال شده و کودک نیاز به مراقبت و حمایت والدین خود را حس می‌کند. فرد نایمن نیز خدا را به‌عنوان پناهگاه مطمئن جست‌وجو می‌کند. کریک‌پاتریک^۱ (۱۹۹۹) به‌عنوان یکی از نخستین نظریه‌پردازان در زمینه دلبستگی به خدا معتقد است دلبستگی به مراقب اولیه در دوران کودکی با گذشت زمان و در چهارچوب نظام‌های دیگر همانند دلبستگی به خدا ادامه می‌یابد. به اعتقاد وی می‌توان از نظریه دلبستگی برای مطالعه و شناسایی رفتارهای مذهبی و شناخت کیفیت اعتقادات مذهبی استفاده کرد. بک (۲۰۰۶) معتقد است افرادی که دلبستگی بیشتری به خدا دارند و این دلبستگی نیز از نوع ایمن است، کمتر دچار تنش و افسردگی می‌شوند و از احساس رضایت و صمیمیت بیشتری برخوردارند. به نظر می‌رسد از دیدگاه روان‌شناسی می‌توان خدا را به‌عنوان موضوع دلبستگی در نظر گرفت که به انسان آرامش و ایمنی می‌بخشد. از آنجاکه دین همیشه با روح و روان افراد مرتبط است، یکی از ابعاد مهم دین و

1. Kirkpatrick, L. A.

شاید مهم‌ترین بعد از نظر برخی از پژوهشگران حوزه دین، بعد احساسی و عاطفی آن است؛ بنابراین تعاریف آنها از دین یک تعریف عاطفه‌گراست. تفکیک تعریف‌های عاطفه‌گرا از تعاریف با رویکرد روان‌شناسی به دین مشکل است و هر دو به بعد احساسی و روانی دین توجه دارند.

ابعاد اعتقادی و عاطفی بیشتر با مسائل نظری مربوط هستند و ابعاد پیامدی و مناسکی با مسائل عملی دین‌داری ارتباط دارند و این ابعاد همواره با یکدیگر همسو نیستند. در این پژوهش نیز ابعاد اعتقادی و عاطفی دارای بار عاملی بیشتری با معنا در زندگی بودند، اما ابعاد پیامدی و مناسکی واریانس کمتری از معنا در زندگی را تبیین نمودند. این یافته با پژوهش سراج‌زاده و رحیمی (۱۳۹۲) نیز هماهنگ است. برای تبیین این پدیده می‌توان از نظریه‌های جامعه‌شناختی کمک گرفت. برای مثال همیلتون، به نقل از دهستانی و همکاران (۱۳۹۱) معتقد است که باورها و گرایش‌های دینی می‌توانند به نوعی نیاز اصیل روانی در انسان پاسخ گویند. بنابراین به نظر می‌رسد که باورهای دینی نسبت به اعمال دینی که جنبه بیرونی و اجتماعی دارند، بیشتر رواج دارند؛ ازاین‌رو ممکن است افراد به برخی از باورهای خاص مذهبی ایمان داشته باشند، اما آنها را به‌صورت اعمال مذهبی که از نظر اجتماعی پذیرفته شده است، نشان ندهند.

شواهد پژوهشی نشان داده است که اعتقادات مذهبی درست، بسیاری از نیازهای اساسی انسان را برآورده کرده و خلأهای عاطفی و معنوی او را پر می‌کند. اهمیت نقش دین و جایگاه آن در زندگی بشر به قدری است که تمام مؤلفه‌های حیات روانی و جسمی وی را تحت الشعاع خود درآورده است. افرادی که از دین‌داری بالایی برخوردارند، سازگاری بهتری با موقعیت‌های استرس‌زا دارند و میزان پایین‌تری از هیجانات منفی و افسردگی را تجربه می‌کنند (بخشی‌پور رودسری و همکاران، ۱۳۸۴). بر اساس یافته‌های پژوهش مؤلفه دین‌داری سهم قابل توجهی در پیش‌بینی معنا در زندگی دارد. این نتایج بدین معناست که دین‌داری به‌عنوان یک سازه مهم در زندگی نقش قابل ملاحظه‌ای دارد. درعین حال، می‌توان استدلال کرد که دین تنها نظام معنابخش زندگی نیست و افراد ممکن است با مکانیسم‌ها و نظام‌های معنابخش دیگری که لزوماً دینی نیستند به زندگی خود معنا دهند.

از یافته‌های دیگر این پژوهش این است که خودکارآمدی به‌عنوان یک متغیر مستقل به‌صورت مستقیم بر میزان معنا در زندگی مؤثر است. به عبارت دیگر، افزایش میزان خودکارآمدی بر معناداری تأثیرگذار است. این نتایج با نظریات بامیستر (۱۹۹۱)، فرای^۱ (۱۹۹۸)، براسای، پیکو و استیجر

(۲۰۱۳) هماهنگ است. بامیستر چهار نیاز برای معنا در زندگی مشخص کرد: هدف، ارزش‌ها، احساس کارآمدی و ارزش خود. اشخاصی که این نیازها را شناسایی کرده‌اند احتمالاً احساس معنای بالاتری در زندگی دارند (بامیستر و وهس، ۲۰۰۲). بامیستر نتیجه گرفت، اینها چهار الگوی انگیزشی را به وجود می‌آورند و نشان می‌دهند چگونه مردم سعی می‌کنند به زندگی خود معنی بدهند. افرادی که تمام این چهار نیاز را برآورده کنند، احتمال بیشتری وجود دارد که زندگی خود را معنی‌دار گزارش کنند. بامیستر معتقد است زندگی که هدف و ارزش داشته باشد، اما کارآمد نباشد، ناگوار خواهد بود. انسان ممکن است بداند چه چیز مطلوب است، اما با چنین دانشی نتواند کاری انجام دهد. تا حدودی روشن است که انسان در جست‌وجوی کنترل بر محیط خویش و بر خویشتن است. فقدان کنترل عمیق می‌تواند منجر به بحران‌های شخصی جدی شود و در نتیجه تأثیر منفی بر سلامت جسمی و روانی خواهد داشت. فرای (۱۹۹۸) می‌گوید: «نوجوان باید هم ظرفیت‌های روان‌شناختی (برای مثال مهارت‌های زندگی برای مقابله مؤثر و سازگارانه با توقعات اجتماعی) و هم ظرفیت‌های اجتماعی (مثلاً در بین همسالان و یا خانواده) را تقویت کند تا به معنی در زندگی دست یابد». با استفاده از روش‌های کیفی فرای نتیجه گرفت که معنی در زندگی مرتبط با نیازهای درونی برای تسلط بر محیط از طریق رشد احساس خودکارآمدی و خودنظم‌دهی مؤثر به وجود می‌آید.

خودکارآمدی، یکی از جنبه‌های مهم نظریه شناختی - اجتماعی است که نخستین بار بندورا مطرح کرد (واسیل، مرهان، سینگر و استویس کیو، ۲۰۱۱). باورهای خود - تنظیمی، نسبت به شایستگی و توانایی فرد، قدرت تأثیرگذاری بیشتری بر عملکرد او دارند که یکی از این باورها، خودکارآمدی است. ادبیات گسترده‌ای بر نظریه شناختی اجتماعی نشان می‌دهد که خودکارآمدی به‌عنوان یک تنظیم‌کننده رفتار عمل می‌کند (بندورا، ۱۹۹۴). بندورا خودکارآمدی را یکی از فرایندهای شناختی می‌داند که از طریق آن بسیاری از رفتارهای اجتماعی خود و بسیاری از خصوصیات شخصی را گسترش می‌دهیم. باورهای خودکارآمدی بر انتخاب تکلیف، تلاش، استقامت، امتناع و پیشرفت افراد تأثیر می‌گذارد. افرادی که فاقد خودکارآمدی هستند ممکن است زندگی خود را درک نکردنی تلقی کرده، در مواجهه با مشکلات تسلیم شده و از تلاش برای حفظ سلامت و بهزیستی روان‌شناختی خود منصرف شوند (بندورا، ۱۹۹۴). احساس خودارزشی برای افراد که باور کنند آنها به‌عنوان یک شخص دارای ارزش مثبت هستند، ضروری است و این به معنا در زندگی کمک

می‌کند. مردم دوست دارند احساس کنند که آنها افرادی باارزشی هستند و هنگامی که دارای تجربی هستند که تصویر خودشان را به‌عنوان یک فرد ارزشمند مورد تهدید قرار می‌دهند، احساس معنا در زندگی آنها به هم می‌خورد. عزت نفس دید پایدار از جهان و خود را ترفیع می‌بخشد و بنابراین ممکن است به درک از معنا در زندگی کمک کند.

خودکارآمدی بالا با ایجاد احساس آرامش در رویارویی با تکالیف دشوار کمک می‌کند و برعکس افراد با خودکارآمدی پایین در موقعیت‌های دشوار دچار استرس و اضطراب و افسردگی می‌شوند و این موجب تضعیف در تفکر آنان شده و به کاهش عملکرد آنان می‌انجامد. باورهای افراد درباره توانایی‌هایشان یا همان خودکارآمدی در اینکه آنها در موقعیت‌های تهدیدکننده چه مقدار تنیدگی و افسردگی را تجربه کنند، تأثیر بسزایی دارد. در واقع، به‌واسطه تفکر ناکارآمد، افراد احساس استیصال و درماندگی کرده و سطح اضطراب و افسردگی در آنها افزایش می‌یابد. دانش‌آموزانی که از خودکارآمدی پایینی برخوردار هستند، در مورد توانایی‌های خود دچار تردید هستند. آموزش خودکارآمدی به این افراد کمک می‌کند تا باورهای منفی خود را تغییر داده و هدفمند به زندگی نگاه کنند، اهداف قابل دسترسی برای آینده خویش ترسیم نموده، و با دستیابی به اهداف قابل حصول خویش میزان امید در آنها افزایش یابد.

افرادی که دارای باورهای خودکارآمدی واضح، خوب تعریف‌شده، هماهنگ و باثبات هستند، از سلامت روانی بیشتری برخوردار هستند. این افراد در مورد خود به دیدگاه روشنی رسیده‌اند و کمتر تحت تأثیر وقایع روزانه و ارزیابی‌های این وقایع قرار می‌گیرند. افراد دارای خودکارآمدی بالا از لحاظ احساس شایستگی، انگیزش درونی، قدرت انتخاب و تعهد به اهداف و پشتکار در برابر تکالیف چالش‌انگیز در سطح بالاتری از افراد دارای خودکارآمدی پایین قرار می‌گیرند. افرادی که احساس خودکارآمدی بالایی دارند، معتقدند که می‌توانند به نحو مؤثری با وقایع و موقعیت‌ها برخورد کنند. این افراد در کارها استقامت بیشتری به خرج می‌دهند و اغلب در سطح بالایی عمل می‌کنند. همچنین مشکلات را به‌جای تهدید، چالش می‌دانند و فعالانه در جست‌وجوی موقعیت‌های تازه هستند. احساس خودکارآمدی بالا ترس از شکست را کاهش می‌دهد، سطح آرزوها را بالا می‌برد، توانایی حل مسئله و تفکر تحلیلی را بهبود می‌بخشد.

در پژوهش حاضر ارزش‌های اجتماعی به‌عنوان متغیر میانجی روی معنا در زندگی تأثیر داشتند. وزن کل رگرسیون این متغیر ۰/۵۳۹ می‌باشد. اثر دین‌داری به‌صورت غیرمستقیم از طریق

ارزش‌های اجتماعی روی معنا در زندگی ۰/۱۷۵ و تأثیر متغیر خودکارآمدی از طریق ارزش‌های اجتماعی روی معنا در زندگی ۰/۱۴۴ می‌باشد. دین می‌تواند فرد را با مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و حسی عمیق از هدف و جهت‌گیری آماده نماید. پژوهشگران دین را به‌عنوان نظام معنایی تعریف کرده‌اند که چگونگی ادراک افراد را نسبت به خود و جهان شکل می‌دهد (پارک، ۲۰۱۳؛ سیلبرمن،^۱ ۲۰۰۵). خودکارآمدی کلی، زیربنایی را می‌سازد که به نوجوان اعتمادبه‌نفس برای رسیدن به اهداف زندگی را می‌دهد. خودکارآمدی بر بسیاری از جنبه‌های زندگی مثل گزینش اهداف، تصمیم‌گیری، میزان تلاش، سطح استمراری و پایداری و رویارویی با مسائل چالش‌برانگیز تأثیر دارد. سال‌های نوجوانی بهترین دوره برای بازسازی جنبه‌های روانی - اجتماعی است. شکل‌گیری اهداف شخصی، ارزش‌ها و عقاید تحت تأثیر انواع زمینه‌های اجتماعی مانند درون خانواده، مدرسه و سایر گروه‌هاست که نوجوانان در آنها رشد می‌کنند. والدین و خانواده تأثیر بسیاری در هدایت فرزندان به سمت موفقیت و رشد شناختی اجتماعی و فرآیند شکل‌گیری هویت دارند (هیل، ۱۹۸۳). ارزش‌های اجتماعی مورد مطالعه شامل خانواده، ازدواج، تحصیل، کار، نوع‌دوستی و روابط اجتماعی بودند. خانواده در بیشتر پژوهش‌ها به‌عنوان اولین منبع معنابخش به زندگی گزارش شده است (الیزابت، ادوارد و جکی، ۲۰۱۶؛ لامبرت و همکاران، ۲۰۱۰). در برخی از پژوهش‌ها نیز ارتباطات را به‌عنوان یکی از حوزه‌های معنابخش در زندگی ذکر کرده‌اند و خانواده به‌عنوان زیر مجموعه‌ای در این طبقه قلمداد می‌گردد (زانگ و همکاران، ۲۰۱۶؛ ون تونجرن و همکاران، ۲۰۱۵؛ گرودون و جونز، ۲۰۱۵؛ استجر و همکاران، ۲۰۰۸؛ دی ولگار و ابرسول، ۱۹۸۱؛ اکتر و چامبرلین، ۱۹۹۶).

خانواده اساسی‌ترین عاملی است که از نظر هیجانی و اقتصادی نوجوان را حمایت کرده و حسی از هویت و تعلق در او ایجاد می‌کند. در واقع، خانواده بنیادی‌ترین زمینه را برای رشد روانی - اجتماعی نوجوانان ایجاد کرده و روابط خانوادگی یک عامل حفاظتی قوی برای او به‌شمار می‌رود. لامبرت و همکاران (۲۰۱۰) نشان دادند که روابط خانوادگی نسبت به سایر روابط اجتماعی کمک بیشتری به معناداری زندگی افراد می‌کند و منبع چشمگیری برای معناداری در زندگی است. طرد کردن بین‌فردی اغلب باعث حالت واسازی و احساس بی‌معنایی زندگی است؛ درحالی‌که بودن در روابط نزدیک منجر به افزایش احساس معنا می‌شود (استجر و همکاران، ۲۰۰۶). پارسونز در نظام اجتماعی برای خانواده اهمیت خاصی قائل است. او معتقد است خانواده هنوز به لحاظ اجتماعی

1. Silberman, I.

کردن کودکان، حفظ تعادل و استحکام شخصیت بزرگسالان حائز اهمیت است. او خانواده را به دو نوع تقسیم می‌کند: یکی خانواده‌ای که فرد در آن رشد می‌کند. این نوع خانواده با استفاده از مفهوم‌سازی، خانواده جهت‌یاب نامیده می‌شود؛ دیگری خانواده‌ای که خود فرد شکل می‌دهد و شامل همسر و فرزندان اوست و خانواده فرزندیاب نامیده می‌شود (اعزازی، ۱۳۸۵).

در میان ارزش‌های اجتماعی، ارزش دیگری که در این پژوهش به آن پرداخته شده است، نوع دوستی می‌باشد که نسبت به سایر ارزش‌ها نقش کمتری در تبیین متغیر پنهان داشته است. این ارزش خود را در قالب رفتارهای مختلفی نظیر کمک به دیگران، انجام فعالیت‌های داوطلبانه، شرکت در انجمن‌ها و مؤسسات غیردولتی و عام‌المنفعه و... نشان می‌دهد. در قالب فعالیت‌های مختلف که جنبه عمومی دارد و به نوعی در خدمت دیگران و کمک به هموعان خوانده می‌شود، زندگی انسان رنگ و معنای دیگری پیدا می‌کند، و می‌تواند یک منبع معنابخش به زندگی برای نوجوان قلمداد شود. فرد در ابتدای فرآیند تشکیل معنا و در سنین پایین‌تر بیشتر ارزش‌های فردگرایانه را ارج می‌نهد و با حرکت در چرخه تحول رو به سوی ارزش‌های انسان‌گرایانه می‌گذارد.

از موارد دیگری که می‌تواند یک منبع معنابخش به زندگی برای نوجوان باشد، کار است. کار از دغدغه‌های مربوط به آینده برای نوجوان می‌باشد. دغدغه‌ها و انتظارات مرتبط با آینده در این دوره تحولی شایع می‌باشد و اندیشیدن در این خصوص و شکل‌دهی به ادراکاتی از خود در چارچوب آینده می‌تواند نقش بسیار مهم‌تری در نوجوانی در مقایسه با دیگر مراحل تحول داشته باشد. چگونگی تفکر نوجوان در خصوص آینده شیوه ادراک او از موقعیت‌های کنونی و نحوه رفتار او را در آنها شکل می‌دهد (نگرو، سابتیریکا و اوپر،^۱ ۲۰۱۱). شغل اغلب تمام زندگی فرد را تغییر می‌دهد و تا حدی طرز فکر فرد را مشخص می‌نماید. کار نقش فرد و موقعیت اجتماعی او را مشخص می‌کند. کار فرد را با واقعیت اجتماعی و اقتصادی نزدیک‌تر می‌سازد. شخص بیکار خود را بیرون از جمع احساس می‌کند. تعهد برای انجام کار معنا و جهت حیات را کامل می‌کند. کار کردن وسیله‌ای برای ایجاد روابط اجتماعی با دیگران است. با کار کردن فرد به ارزیابی توانایی‌ها، مهارت‌ها و کشف محدودیت‌های خویش ناآل می‌گردد، فرد را جزئی از جامعه می‌کند و با کار فرد می‌تواند نقش سازنده خود را در جامعه ایفا کند.

این ارزش‌ها زمانی اثرگذار می‌شوند که در افراد درونی شده و در زندگی روزمره تجلی پیدا کنند.

فعالیت‌هایی نظیر خدمت به دیگران، شرکت در کارهای خیر، ایشار و فداکاری که تحت عنوان «نوع دوستی» از آنها یاد می‌شود، به زندگی بسیاری از انسان‌ها معنا می‌بخشند. این باور که بخشش، سودمند بودن برای دیگران و زیباتر کردن زندگی برای آنها کار خوبی است، نه تنها در سنت مذهبی ریشه دارد، بلکه به عنوان یک حقیقت بنیادی از سوی کسانی که هر گونه اعتقاد به خدا را رد می‌کنند، پذیرفته شده است. نوع دوستی به عنوان نمونه‌ای از تعهد اجتماعی منبعی معنا بخش در زندگی است و در کنار عواملی چون کمک به دیگران، مفید بودن و کار داوطلبانه می‌تواند به معنا در زندگی کمک کند. ویژگی‌هایی که ذکر شد به نوعی در تحول بهنجار انسانی به صورت تدریجی اتفاق می‌افتد. می‌توان چنین گفت همان طوری که افراد رشد می‌کنند، از ارزش‌های فردی به سمت ارزش‌های اجتماعی چون کمک به دیگران و پیوند با آنها حرکت می‌کنند.

با تکیه بر یافته‌های این مطالعه می‌توان پیش‌بینی قابل اعتمادی برای معنا در زندگی در دوره نوجوانی ارائه کرد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که مدارس در مداخلات درمانی، آموزشی و تربیتی خود برای دانش‌آموزان روی دین‌داری، ارزش‌های اجتماعی و خودکارآمدی تمرکز نمایند. به دلیل اینکه این متغیرها سهم مهمی از معناداری زندگی در دوره نوجوانی را تبیین می‌نمایند و به تبع احساس معنا در زندگی، امید به آینده، تلاش و کوشش جایگزین یاس و ناامیدی خواهد شد، نتیجه این فعالیت‌ها کمک به ارتقای سطح بهداشت روانی نوجوانان می‌باشد. محدودیت این پژوهش گستره جغرافیایی و فرهنگی آن و همچنین محدود شدن نمونه آماری به دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه است.

منابع

قرآن کریم.

آزاد ارمکی، تقی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی نسلی. تهران: مرکز مطالعات جوانان و مناسبات نسلی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
آقابابایی، ناصر؛ سهرابی، فرامرز؛ اسکندری، حسین؛ برجعلی احمد و فرخی، نورعلی (۱۳۹۷). پیش‌بینی آسایش درونی بر اساس نگرش به دین با واسطه‌گری امید و معنای زندگی. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۱۲(۲۲)، ۱۰۹ - ۱۳۴.

اکبری، بهمن؛ فدایی شاهخالی، صغری و قاسمی جوینه، رضا (۱۳۹۸). تحلیل کانونی رابطه بین

- دین‌داری، امید و خوش‌بینی با معنا در زندگی و کیفیت زندگی در بیماران دچار ضایعه نخاعی. دین و سلامت، ۱۷(۱)، ۱۱ - ۱۹.
- انوری، حمیدرضا (۱۳۷۳). پژوهشی راجع به تقدیرگرایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی. تهران.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۵). ضرورت استفاده از رویکرد جنسیتی در پژوهش‌ها. تعلیم و تربیت، ۲۳(۸۷)، ۳۳ - ۵۸.
- احمدی، سمیه؛ حیدری، محمود؛ باقریان، فاطمه و کشفی، عبدالرسول (۱۳۹۵). نوجوانی و تحول معنا: مقایسه منابع و ابعاد معنای زندگی در دختران و پسران نوجوان. مطالعات روان‌شناسی بالینی، ۶(۲۳)، ۱۴۹ - ۱۷۷.
- بایری، امیدعلی (۱۳۹۹). تدوین الگوی تلفیقی معنا در زندگی و مقایسه تاثیر آموزش مبتنی بر آن با آموزش مفاهیم معناداری فرانکل بر افکار خودکشی و ناامیدی دختران نوجوان. پایان‌نامه دکتری دانشگاه اصفهان. اصفهان.
- بخشی‌پور رودسری، عباس؛ پیروی، حمید و عابدیان، احمد (۱۳۸۴). بررسی رابطه میان رضایت از زندگی و حمایت اجتماعی با سلامت روان در دانشجویان. اصول بهداشت روانی، ۷(۲۷) و ۲۸، ۱۴۵ - ۱۵۲.
- پیمانفر، الیکا؛ علی اکبری دهکردی، مهناز و محتشمی، طیبه (۱۳۹۱). مقایسه احساس تنهایی و احساس معنا در زندگی سالمندان با سطوح نگرش مذهبی متفاوت. روان‌شناسی دین، ۵(۴)، ۴۱ - ۵۲.
- جناآبادی، حسین و سابقی، فرامرز (۱۳۹۳). رابطه دلبستگی به خدا با معناداری زندگی والدین کودکان کم‌توان ذهنی شهر زاهدان. طلوع بهداشت دانشکده بهداشت یزد، ۱۳(۲)، ۹۹ - ۱۱۲.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۳). چارچوب مفهومی پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان. تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- چراغی، مونا و حسین، مولوی (۱۳۸۵). رابطه بین ابعاد مختلف دین‌داری و سلامت عمومی در دانشجویان دانشگاه اصفهان. پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناختی، ۲(۶)، ۱ - ۲۲.
- حشمت یغمایی، محمدتقی (۱۳۸۰). دین‌داری نوجوانان و عوامل مؤثر بر آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی. تهران.

حجازی، الهه و شکوری فر، معصومه (۱۳۸۷). رابطه پاسخ‌های رفتاری به محرک اجتماعی مبهم با اسناد نسبت، هدف اجتماعی و ادراک خودکارآمدی کودکان. روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۴(۲)، ۴۷ - ۶۴.

خاکشور، فاطمه؛ غباری بناب، باقر و شهابی‌زاده، فاطمه (۱۳۹۲). نقش تصور از خدا و هویت مذهبی در معنای زندگی. روان‌شناسی دین، ۶(۲)، ۴۳ - ۵۶.

دهستانی، مهدی؛ زاده محمدی، علی و محمدی، سمیه (۱۳۹۱). بررسی میزان دین‌داری و ارتباط آن با سبک‌های هویت دانشجویان. علوم رفتاری، ۶(۲)، ۱۷۱ - ۱۷۹.

سراج‌زاده، سیدحسین و رحیمی، فرشید (۱۳۹۲). رابطه دین‌داری با معناداری زندگی در یک جمعیت دانشجویی. راهبرد فرهنگ، ۶(۲۴)، ۷ - ۳۰.

شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۰). دین جامعه و عرفی شدن. تهران: مرکز.

شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران. جامعه‌شناسی ایران، ۶(۱)، ۶۶ - ۴۴.



۳۱۵

مجله دین و جامعه
معنا در زندگی بر اساس دین‌داری و خودکارآمدی...

طالب واحدی، شهرام و حقی، حبیب‌اله (۱۳۹۰). پیش‌بینی معنا در زندگی دانشجویان بر اساس انواع باورهای خودکارآمدی اجتماعی تصویری و حمایت اجتماعی. پژوهش‌های مشاوره، ۱۰(۳۷)، ۸۷ - ۱۱۰.

فرانکل، ویکتور (۱۹۶۳). انسان در جست‌وجوی معنا. ترجمه نهضت صالحیان و مهین میلانی. تهران: درس.

قاسمی، وحید (۱۳۹۲). مدی‌سازی معادله ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد Amos Graphics. تهران: جامعه‌شناسان.

گیتی‌پسند، زهرا؛ فرح‌بخش، کیومرث؛ اسمعیلی، معصومه و ذکایی، محمدسعید (۱۳۹۴). بررسی مؤلفه‌های معنای زندگی، ازدواج، زندگی مشترک در زوجین رضایت‌مند زناشویی. روان‌شناسی و دین، ۸(۲)، ۵ - ۱۸.

ملکیان، مصطفی (۱۳۸۵). مهر ماندگار، تهران: نگاه معاصر.

محسنی، منوچهر (۱۳۷۹). بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در تهران. تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مهدوی آزادبنی، رمضان (۱۳۸۶). معنای زندگی انسان و نقش خلاقیت‌زایی دین. اندیشه نوین دینی، ۳(۹)، ۵۳ - ۷۱.

- Baumeister, R. F. (1991). *Meanings of life*. New York, NY: Guilford Press.
- Baumeister, R. F. & Vohs, K. D. (2002). *The pursuit of meaningfulness in life*. In C. R. Snyder & S. J. Lopez (Eds.), *Handbook of positive psychology* (p. 608-618). New York: Oxford University Press.
- Beck, R. (2006). God As A Secure Base: Attachment To God And Theological Exploration. *Journal of Psychology and Theology, La Mirada: Summe*, 34(2), 125-128.
- Brassi, L., Piko, B. F., Steger, M. F.(2013). Individual and parental factors related to meaning in life among Hungarian minority adolescents from Romania. *International Journal of Psychology*, 48(3), 308-315.
- Brassai, L., Piko, B. F. & Steger, M. F. (2012). Existential attitudes and Eastern European adolescents' problem and health behaviors: Highlighting the role of the search for meaning in life. *Psychological Record*, 62, 719-734.
- De Vogler, K. L. & Ebersole, P. (1981). Adults' meaning in life. *Psychological Reports*, 49(1), 87-89.
- Damsio, B. F. & Koller, S. H. (2015). Complex Experiences of Meaning in Life: Individual Differences Among Sociodemographic Variables, Sources of Meaning and Psychological Functioning Soc. *Indic Res*, 123, 161-181.
- Ellison, C. G. (1991). Religious Involvement and Subjective Well-being. *Journal of Health and Social Behavior*, 32, 80-99.
- Ellison, C. G., Gay, D. A., and Glass, T. A. (1989). Does Religious Commitment Contribute to Individual Life Satisfaction. *Social Forces*, 68, 100-123.
- Elizabeth, Y. u. A., Edward, C. C. & Jachie, K., H. J.(2016)._Asian American culturally relevant values as_predictors of meaning in life in Asian and European American college students: Evidence for Cultural Differences? *Asian American Journal of Psychology*, 18, Pagination Specified.
- Emmons, R. A. & Paloutzian, R. F. (2003). The psychology of religion. *Annual Review of Psychology*, 54, 377-402.



۳۱۶

پژوهش نامه روان شناسی اسلامی
بهار و تابستان ۱۴۰۵

Bandura, A. (1994). Social cognitive theory: An generic perspective. *Annual Review of psychology*, 52, 1-26.

Fry, P. M. (1998). The development of personal meaning and wisdom in adolescence: A reexamination of moderating and consolidating factor and influences. In P. T. P. Wong & P. M. Fry (Eds.), *The human quest for meaning: A handbook of psychological research and clinical application* (p. 91-110).

Glock, C. & Stark, R. (1965). *Religion and Society in Tension*. Chicago: Rand Mc Nally.

Greeley, A. and Hout, M. (2006). *Happiness and Lifestyle among Conservative Christian*, In *The Truth about Conservative Christians*, Chicago, IL: University of Chicago Press.

Grouden, M. E. & Jose, P. E. (2015). Do sources of meaning differentially predict search for meaning, presence of meaning, and wellbeing? *International Journal of Wellbeing*, 5(1), 33-52.

Heine, S. J., Proulx, T. & Vohs, K. D. (2006). The meaning maintenance model: On the coherence of social motivations. *Personality and Social Psychology Review*, 10, 88-110.

Hill, J. P. (1983). Early adolescence: A research agenda. *Journal of Early Adolescence*, 3(1-2), 1-21.

Hill, P. C. & Pargament, K. I. (2003). Advances in the conceptualization and measurement of religion and spirituality. Implications for physical and mental health research. *American Psychologist*, 58, 64-74

Heintzelman, S. J. & King, L. A. (2014). Life is pretty meaningful. *American Psychologist*, 69, 561-574.

Johnston, G. D. (2012). *The effect of meaning and purpose in life on wellness and life satisfaction* (Doctoral dissertation, Texas Tech University).

Kirkpatrick, L. A. (1999). Attachment and religious representations and behavior. In J. Cassidy & P. R. Shaver (Eds.), *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications* (p. 803-822). New York: Guilford



- Kress, V. E., Newgent, R. A., Whitlok, J. & Mease, L. (2015). Spirituality/Religiosity, Life Satisfaction, and Life Meaning as Protective Factors for Nonsuicidal Self-Injury in College Students. *Journal of College Counseling*, 18, 160-174.
- Lambert, N. M., Stillman, T. F., Baumeister, R. F., Fincham, F. D., Hicks, J. A. & Graham, S.M. (2010). Family as a salient source of meaning in young adulthood. *Journal of Positive Psychology*, 5, 367-376.
- Lin, A. (2001). Exploring sources of life meaning among Chinese (Doctoral dissertation, Trinity Western University).
- Matos, T., Tege, B. & Steger, M. F. (2010). It's not only what you hold, it's how you hold it: Dimensions of religiosity and meaning in life. *personality and Individual differences*, 49, 863-868.
- Martela, F. & Steger, M. F. (2016). The three meanings of meaning in life: Distinguishing coherence, purpose, and significance. *The Journal of Positive Psychology*, 11(5), 531-545.
- Negru, O., Subțirică, A. & Opre, A. (2011). The dynamics of aspirations in emerging adulthood. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 12, 205-210.
- O'Connor, K. & Chamberlain, K. (1996). Dimensions of life meaning: A qualitative investigation at mid-life. *British Journal of Psychology*, 87(3), 461-477.
- Park, C. L. (2013). Religion and meaning. In R. F. Paloutzian & C. L. Park (Eds.), *Handbook of the psychology of religion and spirituality* (2nd ed., p. 357-379). New York: Guilford Press.
- Peres, M. F., Kamei, H. H., Tobo, P. R. & Lucchetti, G. (2018). Mechanisms behind religiosity and spirituality's effect on mental health, quality of life and well-being. *Journal of Religion and Health*, 57(5), 1842-55.
- Pollner, M. (1989). —Divine Relations, Social Relations, and Well-being. *Journal of Health and Social Behavior*, 30, 92-104.
- Reker, G. T. & Woo, L. C. (2011). Personal meaning orientations and psychosocial adaptation in older adults. *SAGE Open*, 1(1), 1-10. DOI: 0.1177/2158244011405217.



۳۱۸

پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی
بهار و تابستان ۱۴۰۵

- Reker, G. T. & Wong, P. T. P. (2012). *Personal meaning in life and psychosocial adaptation in the later years*. In P. T. P. Wong (Ed.), *The human quest for meaning: Theories, research, and applications* (2nd ed.) (p. 433-456). New York, NY: Routledge.
- Silberman, I. (2005). Religion as a meaning system: Implications for the new millennium. *Journal of Social Issues*, 61, 641-663.
- Skrabski, A., Kopp, M., Rosa, S., Rethelyi, J. & Rahe, H. (2005). Life Meaning: An Important Correlate of Health in the Hungarian Population. *International Journal of Behavioral Medicine*, 12(2), 78-85.
- Steger, M. F. (2009). Meaning in life. In C. R. Snyder & S. J. Lopez (Eds.), *Oxford handbook of positive psychology* (2nd ed., p. 679-687). Oxford, UK: Oxford University Press.
- Steger, M. F., Frazier, P., Oishi, S. & Kaler, M. (2006). The meaning in life questionnaire: assessing the presence of and search for meaning in life. *Journal of Counseling Psychology*, 53(1), 80-93.
- Steger, M. F., Kashdan, T. B., Sullivan, B. A., & Lorentz, D. (2008). Understanding the search for meaning in life: Personality, cognitive style, and the dynamic between seeking and experiencing meaning. *Journal of Personality*, 76, 199-228.
- Sherer, M., Maddux, J. E., Mercandante, B., Prentice-Dunn, S., Jacobs, B. and Rogers, R.W. (1982). The self-efficacy scale: Construction and validation. *Psychological Reports*, 51, 663-671
- Tiliouine, H. & Belgoumidi, A. (2009). An Exploratory Study of Religiosity, Meaningful life and Subjective Wellbeing in Muslim Students from Algeria. *Applied Research Quality Life*, 4, 109-127.
- YeeHo, M., Cheung, F.M. & ShoFai-Cheung, S.F. (2010). The role of meaning in life and optimism in promoting well-being. *Personality and Individual Differences*, 48(5), 658-663.
- VanTongerren, D. R., Green, J. D., Hook, J. N., Davis, D. E., Davis, J. L. & Ramos, M. (2015). Forgiveness increases meaning in life. *Social Psychological and Personality Science*, 6(1), 47-55.



- Vasile, C. Marhan, A. M. Singer, F. M. & Stoicescu, D. (2011). Academic self-efficacy and cognitive load in students. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 12, 478-482.
- Veber, Max (1963). *The Sociology of Religion*. Beacon Press.
- Woodruff, S. & Cashman, J. (1993). Task, domain, and general efficacy: A reexamination of the self-efficacy scales. *Psychological Reports*, 72, 423-432.
- Zhang, H., Sang, Z., Chan, D. K. S., Teng, F., Liu, M., Yu, S. & Tian, Y. (2016). Sources of meaning in life among chinese university students. *Journal of Happiness Studies*, 1473-1492.
- Zahedi, F. (2011). The Challenge of Truth Telling across Cultures: A Case Study. *Journal of Medical Ethics and History of Medicine*, 4, 11-20.

